

اعلامیه مطبوعاتی

نگ بر سربازانی که به جای جهاد به خواب رفته اند!

(ترجمه)

هر روز کودکی از غزه از گرسنگی می میرد، یا پیری بی دارو آخرین نفس هایش را می کشد یا زنی در حالی چشم هایش را برای همیشه می بندد که درد تشنگی یا گرسنگی را تاب نمی آورد. هر ساعتی، آسمان اشکی می ریزد، سنگی فریاد می زند و زمین لعنت می فرستد، بر آنانی که این مظلومان را تنها گذاشته اند. اینجا غزه است... غزه ای که تنها با مرزها و توپخانه ها محاصره نشده، بلکه با حصارهای خیانت فرماندهان ارتش ها، حاکمان خائن و سکوت امت شان در محاصره قرار گرفته است.

آنچه امروز در غزه رخ می دهد، صرفاً یک فاجعه انسانی نیست؛ بلکه جنایتی است کامل عیار در برابر دیدگان جهانی که ادعای تمدن دارد و در برابر ارتش هایی که امت بر آنان ثروت خود را خرج کرده، از گرسنگی خود خوراکشان داده تا سپر و شمشیرش باشند، به وقوع می پیوندد؛ اما این ارتش ها بی حرکت مانده اند، گویی آنچه در غزه می گذرد، هیچ ارتباطی به آنان ندارد، یا گویا مردم غزه از امت آنان نیستند!

ای ارتش های امت! آیا وقت آن نرسیده که خون در رگ های تان به جوش آید؟! ای کسانی که مدال و درجه بر سینه می آویزید، به یاد آورید که این دنیا با همه مقام ها، حقوق ها و رتبه هایش در یک لحظه نابود می شود؛ لحظه ای که مرگ می آید و مهلتی نمی دهد، لحظه ای که در برابر الله سبحانه و تعالی می ایستید، برهنه و بی چیز، در روزی که مال و مقام سودی ندارد! درجه و مدال ها نجات بخش نخواهند بود و نه قانون و نه قانون اساسی بشری شفیع شما خواهند شد! درباره غزه بازخواست می شوید؛ درباره مردمی که کشته شدند، گرسنه ماندند و شکنجه شدند؛ در حالی که شما توان یاری شان را داشتید اما کوتاهی کردید!

آن روز خواهد آمد؛ روزی که از هر سرباز ارتش های مصر، اردن، ترکیه و پاکستان پرسیده خواهد شد: چرا برادرانت در غزه را تنها گذاشتی؟ چرا گذاشتی کودکان شان از گرسنگی بمیرند؟ چرا رهای شان کردی تا پیران شان از تشنگی جان دهند؟ مگر سلاح نداشتی؟ مگر راه را نمی دانستی؟ مگر اندکی ایمان در دلت نبود؟!

آنچه در غزه می گذرد، روز آزمون واقعی است؛ آزمون ارتش ها، آزمون عقیده، آزمون مردانگی و آزمون ایمان! هیچ لحظه ای مقدس تر از آن نیست که سربازی سلاحش را برای یاری برادرانش بالا برد و هیچ لحظه ای عظیم تر از شکستن سد خواری و اطاعت کورکورانه از طاغوت ها نیست. این لحظه همان لحظه ای است که افتخار را رقم می زند و در دفتر جاودانه ثبت می شود؛ نه آن لحظه هایی که در مراسم های نظامی، احترام به دشمنان امت ادا می شود!

ای علما، دعوت گران، اندیشمندان و جوانان صادق! گمان نکنید که شما مسئول نیستید. سکوت جنایت است. خاموشی در برابر خیانت به غزه، مشارکت در جنایت است. بنویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید، پیوند میان امت و قضیه اش را زنده کنید و میان ارتش ها و نقش حقیقی شان. به امت یادآوری کنید که فرزندان کشته می شوند و او خاموش است. به ارتش ها یادآوری کنید که هنوز فرصتی برای نجات هست، فرصتی آخر برای کنار گذاشتن خواری، شکستن زنجیرها و گام نهادن در مسیر جهاد.

ای سربازان امت به طور عام و سربازان سرزمین کنانه به طور خاص! وظیفه شما اعلان جنگ فراگیر علیه رژیم غاصب است تا آزادسازی کامل فلسطین. ما یقین داریم که این آرزوی هر مخلصی در ارتش کنانه است؛ اما تنها چیزی که مانع تحقق آن است، رژیم خیانتکاری است که ارتش را به نگهبان رژیم غاصب و مجری اهداف آن تبدیل کرده است. وظیفه شما آن است که این رژیم خائن را با همه ارکان و مجربانش از ریشه برکنید و زمام امور سرزمین تان را به یک رهبری سیاسی آگاه و مخلص بسپارید؛ رهبری ای که حامل برنامه اسلام و توانمند به اجرای فوری آن باشد. در میان شما حزب التحریر وجود دارد؛ رهبری سیاسی، آگاه، مخلص، از جنس امت، که مسائل امت را درک می کند، بار آن را به دوش می کشد و می کوشد تا با اجرای شریعت الله سبحانه و تعالی و حمل آن در سایه خلافت راشده بر منهج نبوت، رضای الله عزوجل را به دست آورد.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ [النساء: 75]

ترجمه: چرا باید در راه الله و (نجات) مردان و زنان و کودکان درمانده و بیچاره‌ای ننگید که (فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگار! ما را از این شهر و دیاری که ساکنان آن ستمکارند (و بر ما بیچارگان ستم روا می‌دارند) خارج ساز، و از جانب خود سرپرست و حمایت‌گری برای ما پدید آور، و از سوی خود یآوری برایمان قرار بده (تا ما را یاری کند و از دست ظالمان برهاند).

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – ولایة مصر